

بسم الله التّور

الميزان خوانی جلسه صدوپانزدهم - سوره مبارکه اسراء - ۱۰ / مهر / ۱۴۰۲

- ادامه شرح سیاق آیات ۵۶ ° ۶۵ تا ابتدای آیه ۵۹

- بحثی پیرامون لوح محفوظ

- تکلیف پژوهشی درباره اعیان ثابتة برای هفته آینده

"بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ "

### ادامه شرح سیاق آیات ۵۶ - ۶۵ تا ابتدای آیه ۵۹

جلسه صدوپانزدهم المیزان هستیم در محضر سوره مبارکه اسراء و سیاق آیات ۵۶ تا ۶۵. همچنین عید میلاد پیامبر رحمت للعالمین اشرف الانبياء را خدمتتون تبریک عرض میکنم ان شاءالله که عیدیهای خیلی خوبی امسال دریافت کنیم از وجود مقدسشون به لطف الهی و مصداق پیرو شریعت و اسلامشون باشیم ان شاءالله.

خب ما تا آیات فکر میکنم یعنی شروع سیاق را داشتیم ۵۶ را گفتیم ۵۷ را هم گفتیم درسته؟ این سیاق، سیاق بسیار پربحث و سنگینی هست و شاید بگم سنگینترین بخش سوره اسراء اینجاست. یه بخشی اینجاست یه بخشی هم حدود آیات ۹۰ تا ۹۳ هست. بحث مجازات اقتراحی و عذاب استیصال و عذاب دنیا و اینها که یه سری بحثهای عرفانی هم اتفاقا وسط میاد، امروز هم بحثمون سنگینه. یعنی من فقط شاید بتونم یک یا دو آیه پیش ببرم. بحث بسیار سنگین عرفان و کلام و همه اینها با هم هست ان شاءالله که از پیش بریباییم به لطف و حول قوه الهی.

### اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

### بسم الله الرحمن الرحيم

آیه ۵۶ " قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا ﴿٥٦﴾ "

یه مقداری از آیه ۵۶ را گفتیم بعد گفتیم کلمه "زعم" یعنی مطلق اعتقاد. بعد یه توضیحاتی را دادیم اینکه بتها و اینهایی که برای خدا شریک قرار میدن هیچ نفع و ضرری ندارند. و اینم عرض کردیم کلا وثنیها (با ث) وثنیها اینها دوگانه پرستند یعنی خدا را هم می پرستند. بعد میگن خدا برای اینکه بتونه (یعنی وقتی میگم بتونه یعنی روی قدرتش هم حرف دارند). بتونه عالم امکان را تدبیر کنه و مدیریت کنه امور را داده دست ارباب و خودش شده چی؟ رب الارباب یعنی خودش اون بالا نشسته روی تخت، روی عرش، هر کدوم از امور عالم را سپرده به فرض عالم باران، بادهای، دریاها، کهکشانها، هر کدوم را به یک ربی سپرده. اینا شدن مجموعا با هم ارباب. بعد مشرکین میگن خب ما که با خدا دسترسی نداریم یعنی اصل بت پرستی این بود ما به خدا هیچگونه دسترسی نداریم و اینکه خدا را ببینیم یا نزدیکش بشیم امکانش نیست برامون، پس چیکار میکنیم؟ میاییم برای خودمون نماد می سازیم که این نماد را دیدیم یاد خدا بیفتیم مثلا بتی به شکل فلان، نشان از رب مثلا

تدبیر بادها، این یه نماد شد یا نمادهای دیگه. بعد کم کم دیدیم که توی تاریخ حالا غیر از مشرکین زمان پیغمبر حتی اگر دقت کنید شما تمثال‌های بت‌ها را ببینید چه چیزهایی که حالا توی موزه‌های الان هست مثل مصر باستان، مثل ایران باستان، مثل عربستان، حجاز، این بت‌ها هر کدوم شکل و شمایل خاصی دارند. حتی بعضیاشون پوزه دارن مثلاً، مثل حیوان هستند (دقیقه ۵) مثلاً گوشه‌های خاصی دارند بعد پا دارند دست دارند یعنی قد و قامت انسانی دارند اما صورت غیر انسانی دارند. بعد اومدن اینها را ردیابی کردند که قضیه اینها چیه؟ اگر مثلاً بت به فرض الهه‌ی خیر هست مثلاً شیوا، چرا این قیافه هست؟ بعد دیدن که قدمت پرستش بت‌ها میرسه به حدود ۲۵۰۰ الی ۳۰۰۰ سال پیش. یعنی حتی از زمان قبل از یعنی حدودی مثلاً، ببخشید ۲۵۰۰ تا ۳ هزار قبل از میلاد نه قبل از الان، قبل از میلاد. خب؟ از میلاد هم که حدود ۲-۳ هزار سال گذشته، یه چیزی حدود ۶-۷ هزار سال قدمت داره این بت‌پرستی، که میخوره به زمان حضرت نوح و بعدش، که توی سوره‌های مختلف هم به همین بت‌پرستی قوم حضرت نوح اشاره شده.

چرا قیافه‌های حیوانی دارند بعضی از این بت‌ها یا مثلاً صورت حیوان هست، بدن انسانی، یا برعکس، صورت انسانی، سم داره یا دست و پاش متفاوته با اون چیزی که توی ذهنمون از انسان هست؟ گفتند احتمالاً اینها اشکال جن هستند. یعنی چی؟ آیه ۴۶ سوره سبأ هست فکر میکنم که "كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ" یه دوره‌ای حتی قبل یا در زمان اولین انبیاء از فاصله حضرت آدم تا حضرت نوح، مردم جن می‌پرستیدند.

**سوال:** مگه اون زمان پیامبر نبوده؟ پاسخ: بوده ولی خب شکل شرکشون جن بوده. بعد چجوری اینها را تأسی می‌کردند؟ عده‌ای از بزرگانشون می‌رفتند و جن را می‌دیدند یعنی باهاش ارتباط برقرار میکردند حالا یه سری کشف و شهودی مثلاً براشون اتفاق میفتاد، با جن ارتباط داشتند مثل الان نبود که جن برای ما غیبه، اون موقع دیده میشدند راحت. توی قالب قرار می‌گرفتند، تمثال داشتند.

**سوال:** زمان حضرت سلیمان بوده؟ پاسخ: بله؛ اون موقع هم بوده.  
جن دیده می‌شده.

**سوال:** جنسش تغییر کرده یا دید ما تغییر کرده که ما نمی‌تونیم ببینیم؟ پاسخ: در زمان ما اینها اجازه در واقع تعین به شکل عین خارجی ندارند که توی چشم ما توی شبکه چشم ما قرار بگیرند اجازه‌ش رو ندارند.  
**سوال:** من شنیدم جدیداً که خیلی چیز شده جن الان بیشتر شده؟ پاسخ: بله؛ حضورشان هست شکل مادی که شما ببینید همه نمیتونن ببینند الان.

**سوال:** من شنیدم که کارهایی که یهود داره انجام میده حضور جن را بیشتر کرده؟ پاسخ: بله؛ به قول حاج آقای قاسمیان میگن سر شوخی باهاشون باز شده.  
جمله ایشونه.

**سوال:** یعنی جنسشون طوری هست که در حالت عادی دیده نمیشه توسط انسان، ولی خودش می‌تونه به تغییریه مثلاً؟ پاسخ: به قالب مثالی بگیره توی قالبی قرار بگیره. بله؛ اون موقع اختیار داشته، الان بحث ارتباط یهود و فراماسون باهاش هستش که مثل اینکه این حفاظ را شکستند. این حفاظ عدم دیده شدن جن را اینا شکستند. الان اینها با جن مستقیم ارتباط دارند.

یه دوره‌ای کاهنان، بزرگان هر قومی با جن ارتباط داشتند میومدند میخواستند اون جن را برای مردم تعریف کنند چجوری تعریف می‌کردند؟ شکلش را می‌ساختند. می‌کشیدند و می‌ساختند. این شد فرم بتها. مثلاً بت مردوک، بت هبل، بت یعوق، اینهایی که توی سوره نوح هم اسامیش هست. نصر و یعوق و اینها، اینا از بتهایی هستند که انگار بزرگان شون رفته از قدیم، قدیم‌تر رفتند دیدند و این به شکل یه رسم دراومده که ما بیاییم مثلاً بت را به این اشکال مختلف بسازیم. یه گوش‌های خیلی خاص مثلاً مارپیچی دارند یا دستای خاصی دارند، پاهای خاصی دارند. حتی بتهایی که حضرت ابراهیم شکستند در اون بتکده یا بتهایی که حضرت علی در کعبه شکستند همین شمایل را دارند. بت‌های مصریان همچنین.

یه فرضیه هست که چرا این شکل‌های عجیب و غریب را دارند؟ چرا شکل انسان نساختند؟ چرا شکل حیوان به شکل کامل نساختند؟ مثلاً اگر بحث حیوان هست مثلاً فقط شیر بسازند بگن این بت فلان، چرا نصف حیوان، نصف انسان یا اینقدر عجیب و غریب؟ به خاطر اینکه هر کسی رفته یه نگاهی به جن داشته یه چیزی دریافته ازش مثلاً یکی رفته دیده این پوزه داره یکی رفته دیده این سم داره هر کی اومده یه چیزی را ترسیم کرده به شکل مجسمه ساخته و این شده نماد. (دقیقه ۱۰) بعدها که می‌رسیم به زمان حضرت پیغمبر این نماد شد خود خدا. یعنی دیگه خدا رب‌الارباب هست خالق هست ولی بطور کامل کشیده کنار.

**سوال:** یعنی اونها این تصور را نداشتند؟ پاسخ: می‌گفتند این ما را به یاد خدا میندازه. یا بحث عبادت جن، اون خدای خالق هم نداشتند می‌گفتند این جن هستش که ما را خلق کرده به ما روزی میده.

اما زمان پیغمبر که می‌گیم وثنی‌ها هستند می‌گن خدا خالقه، ولی مردم عوام اینقدر دیگه سطح فکرشون اومد پایین که این بت سنگی و چوبی که به این شکل عجیب و غریب هست داره روزی ما را میده، می‌بردند جلوش قربونی می‌کردند، میوه می‌بردند براش، نمی‌دونم گوشت می‌بردند، انگور می‌بردند، قربانی گوسفند می‌بردند، بچه‌شون را قربانی می‌کردند جلوی بتها، که ما می‌خواهیم به این بت نزدیک بشیم تقرب پیدا کنیم.

**سوال:** پشت سر این بت اون زمان جن بوده یعنی مثلاً بهشون چیزی می‌داده؟ پاسخ: اصل اصلش جن بوده.

**سوال:** مردم عام چیزی دریافت می‌کردند؟ نفع و ضرری؟ پاسخ: جن یه قدرتی داره مرض را شفا میده. گفتیم که توی امراض، جن خیلی دستش قویه. به راحتی می‌تونه یه سری امراض ما را با قدرت خاصی که داره برطرف کنه حالا یا موقت یا طولانی مدت. این کار را میتونند. کارهای خارق‌العاده می‌تونه انجام بده. بناهای عجیب

میتونه بسازه خب این در چشم یک انسان عادی خیلی چیز عجیبی هست پس بهش ایمان پیدا می کنه عبادتش می کنه در مقابلش خاکساره، ذلیل، قربانی می بره .

**سوال:** ببخشید امراض مشخصه که چه نوع امراضی را می تونه خوب کنه؟ پاسخ: ببینید بحث زمان هست مثلا در زمان حضرت موسی چه مرضی وجود داشته و در زمان حضرت عیسی چه مرض هایی بوده، بله خیلی از اینها را درمان کرده. جن به راحتی درمان می کرده.

**سوال:** برعکسش هم هست میتونه عارض کنه؟ پاسخ: بله؛ میتونه همزمان که یه مرضی را از انسان میگیره یه مرضی را وارد بدن کنه حالت روحی روانی.

امراض عصبی را میتونه درمان کنه. که خیلی از عرفان هایی که ما توی بحث عرفان ها الان داریم صحبت میکنیم با ادعای درمانگری اومدن جلو و طرف میگیره من رفتم عضو این کلاس شدم دوره هاش را گذراندم مشکلم اصلا حل شده، راست میگیره بنده خدا. اما موقت هست نمیگیره کنار این MS که مثلا درمان شده چه چیزهایی هم دریافت کرده؟ چه بدبختی هایی وارد زندگیش شده.

**سوال:** یعنی چی یعنی وقتی این اتفاق می افته و درمان میشه این میرسه به ولایت جن؟ پاسخ: میشه همون عبادت دیگه، صرف عبادت که نماز خواندن و اینها نیست. وقتی که شما قائلی که یک کسی یه قدرت بالاتری میاد مشکلات تو را حل می کنه یا حالا شما وصل بهش میشی نیاز بهش پیدا می کنی میشه عبادت. صرف عبادت که بحث خم و راست شدن و رکوع و سجود نیست که. همین که تو قائلی که این برای تو یه کاری می کنه که کسی دیگری نمیتونه انجام بده میشه عبادت .

**سوال:** یعنی در مورد دکتر هم همینه دیگه، ممکنه ما با زبان بگیم مثلا خدا خب ولی داری میریم اون درمان مون را از دکتر طلب کنیم! پاسخ: وسیله ای میدونیم که از طرف خدا هست.

نه کم کم خدا دیگه مورد غفلت قرار میگیره دیگه خدایی نیست. اسم از خدا برده نمیشه.

ما خودمون به قول آقای قاسمیان سر شوخی را باهاشون باز می کنیم یعنی توی این ایام این چند سال اخیر کلا سر شوخی باهاشون باز شد یعنی یه پایی باز کردند به عالم انسانها، به خاطر شیطنت انسانها هست و حالا اسمش واقعا من اصطلاح فضولی را به کار ببرم، انسانها فضول هستند و از سر فضولی و زیاده خواهی توی عالمها توی عوالم ماورایی که اجازه ورود ندارند وارد میشن و مصیبت هایی را وارد عالم خلقت می کنند.

**سوال:** ببخشید اون رب الارباب که گفتید توی بحث فرشته ها، خب حقیقت عالم مثلا چیه؟ اینکه خدا حالا واقعا فرشته ها را واسطه؟ پاسخ: توی سوره فاطر خداوند میگه که من تدبیر را ( دقیقه ۱۵) البته ببینید بحث اذن و استقلال خیلی مهمه، اینو یه بار هم گفتیم ما اگر قائل اذنی باشیم یه حرف هست یه جور اعتقاد هست یه جور باوره اگر نه استقلال براشون قائل باشیم میشه باور شرکی. وقتی خدا میگه ملائکه بادها. " اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ" ملائکه باده‌ها، ملائکه ابرها، ملائکه آبها همه اینها را فرمان اصل خداوند، اون فرمان اصلی هستش که ملائکه را وادار می‌کند که مثلا بحث خورشید راه بیفته نمیدونم باده‌ها، ابرها، بارانها، آبها، همه چیز دست خود خداست. اینها شدند واسطه.

**سوال:** قدرت اجرایی هستند؟ پاسخ: بله؛ مأمورند. هیچ استقلالی ندارند.

**سوال:** بعد اون اذن مثلا مثل ماست که می‌گیم حالا مثلا بارون بیاد یا نه این همون قوانین طبیعی هست؟ پاسخ: قوانین طبیعی هست.

خدا اینو قرار داده ملائکه اجازه تخلف ندارند موجودات مجرد هستند. اجازه تخلف ندارند گوش به فرمان هستند "وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ" سوره انبیاء. کاملا گوش به فرمان هستند. فرق ما با مشرکین اینه ملائکه مستقلند، کار، کار خودشونه، ما به اونها متوسل میشیم. در حالیکه ما می‌گیم که ملائکه مأمورین خدا هستند به اذن خدا، به اجازه خدا، به فرمان خدا با کلام الهی میان عالم را تدبیر می‌کنند. خودشون هیچ کاره هستند. فرق می‌کنه نگاه خیلی متفاوت میشه.

آیه ۵۷ "أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا ﴿۵۷﴾"

خب؟ آیه دوم را ببینید آیه دوم سیاق. بریم اول سراغ لغاتش. آیه ۵۷.

"يَبْتَغُونَ" از ریشه بغی به معنای طلب، اکثرا به معنای طلب ظلم هست ولی گاهی به معنای مطلق طلب. "وَسِيلَةً" چیزی که اسمش روش هست، باهاش توسل پیدا می‌کنیم نزدیک تر میشیم به معبود. "وَسِيلَةً" اینجا اینه. هر چیزی که انسان را به خدا نزدیک کنه.

"مَحْذُورًا" مفعول؛ معنیش چطوری میشه وقتی می‌گم مفعول یعنی شما مفعولی معنا کنید. معنیش چی میشه؟ برحذر داشته شده. برحذر شده. من کاملترین حالت اسم مفعول را گفتم. برحذر داشته شده کامل اسم مفعول هست. خب؟ حالا بریم سراغ المیزان.

"أُولَئِكَ" نقشش چیه؟ مبتدا، خبر جمله بعدی. "الَّذِينَ" چیه؟ موصول نقش نیست، نقشش چیه؟ به تجزیه می‌گیم موصول. "الَّذِينَ" نقشش اینجا چیه؟ صفت.

معمولا الذین، الذی‌ها، التی، همه صفت کلمه قبل هستند.

موصول نگید نقش. موصول توی تجزیه به کار برده میشه، توی ترکیب می‌گیم صفت.

اگر خودشون اول جمله قرار گرفته بودند بله؛ چون اون وقت چی میشه؟ مبتدا. اگر بعد از یک کلمه ای قرار داشته باشند میشه صفت. دقت بفرمایید.

"أُولَئِكَ" میشه مبتدا، "الَّذِينَ" صفت، "يَدْعُونَ" میشه اونوقت حالا نقش بگید؟ اون موصوله اما توی ترکیب "يَدْعُونَ" میگی موصول. "يَدْعُونَ" صله هست. خب؟ دیگه چی داریم؟ (دقیقه ۲۰)

"وَسِيلَةً" یعنی توسل و تقرب

این ملائکه، "أُولَئِكَ" یعنی ملائکه. چون مرجع ضمیرها را اگر درست تشخیص ندیم نمیتونیم آیه را درست ترجمه کنیم.

گوش کنید؛ ملائکه و جن و هر موجودی که هر معبود غیرخدایی "أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ" حالا "يَدْعُونَ".

**سوال:** "الَّذِينَ يَدْعُونَ" میشه مشرکین؟ پاسخ: احسنت. آفرین دقیقا فهمیدید چی میخوام بگم. پس اگر "أُولَئِكَ" میشه ملائکه و جن و مخلوق های غیرخدایی. "يَدْعُونَ" اون واوش میشه مشرکین. یعنی دو تا ضمیر هست. مرجع ضمیرها یکی نیست پس با این حساب چجوری ترجمه می کنیم؟ اون کسانی که یعنی اون ملائکه ای که اینها میخوانند یعنی مشرکین اونها را به خدایی قبول دارن، خودشون خود اون ملائکه و جن، خودشون، دنبال اینند که یه تقریبی به خدا پیدا کنند یعنی پس هیچ گونه استقلالی ندارند.

**سوال:** "أُولَئِكَ" مرجع ضمیرش با "يَبْتَغُونَ" یکیه؟ پاسخ: با "يَبْتَغُونَ" یکیه. "يَدْعُونَ" ضمیرش فرق می کنه. گرفتید چی شد؟

**سوال:** "يَدْعُونَ" میشه همون مشرکین؟ پاسخ: بله.

میگه اون ملائکه و جنی که مشرکان اونها را به عبادت می خوانند خودشون دنبال این هستند که برای خدا به خدا یک تقریبی پیدا کنند پس نمیتونند خودشون بشن مستقل در اثر. همینکه که عرض می کنیم ملائکه هیچ گونه استقلالی در تأثیر عالم امکان ندارند. اینها مأمور به انجام کار هستند. "أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلٰهِي رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ"

با این حساب "هِم" به کی برمیگرده؟ ضمیرها را تشخیص بدید. "هِم" به ملائکه بله شرکا درسته.

"أَيُّهُمْ أَقْرَبُ" هُم به کی بر میگرده؟ باز همونا. "وَيَرْجُونَ" دیگه تا آخر همونه. دنبال رحمت الهی هستند خود این ملائکه خود این جن اگر حتی انسانی معبود قرار میگیره خودشون دنبال این هستند که یه راهی پیدا کنند به خدا نزدیک تر بشن اینها استقلالی ندارند که، دنبال این هستند که رحمت خدا را جلب کنند.

وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ" اینها هم از عذاب خدا می ترسند هم ملائکه هم جن هم انسانهایی که معبود قرار می گیرند. خیلیا میان انبیاء را می پرستند. مقام اولو هیت برای انبیاء قائل میشن مثل حضرت عیسی.

فقط حضرت عیسی را توی این آیه قرار بدیم می‌گه حضرت عیسی خودش دنبال تقرب هست خودش دنبال رحمت الهی هست خودش از عذاب الهی میترسه اونوقت شما اومدید این را خدا قرار دادید؟ چطور ممکنه؟

**سوال:** این در مورد ملائکه هم صدق می‌کنه؟ پاسخ: بله؛ همه معبودهای ذی‌شعور، ملائکه، جن، انسان .

**سوال:** منظورم اینه که تغییر وضعیت مگه دارند؟ یا اینکه از عذاب بخوان بترسند مگه قراره عذاب بشن؟ پاسخ: به هر حال موجودات عاقلی هستند. و درسته مجرد هستند ولی همیشه خوف از خدا دارند چون خوف از خدا دارند حرف گوش می‌کنند. عالم مجرد هستند دیگه. اصلاً بعضیاشون حالت خوف فقط قرار دارند.

"إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا" بعد این میشه قاعده کلی آیه. هر کسی میخوای باش. ملائکه میخوای بهش، جن میخوای باشی، انسان میخوای باشی، از عذاب خدا باید پرهیز کنی. بترسی. عذاب خدا ترسیدنی هست. این میشه گزاره تعقلی آیه.

"إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا" خب "إِنَّ" میشه حرف مشبیهة بالفعل. "عَذَابَ" میشه اسمش، "رَبِّكَ" مضاف‌الیه. "كَانَ مَحْذُورًا" میشه چی؟ خبر "إِنَّ". خود "كَانَ" اونوقت میتونیم باز بازش کنیم فعل ناقصه هست، (دقیقه ۲۵) "هُوَ" میشه اسم مستترش، خبرش میشه "مَحْذُورًا". در دل خبر باز یه اسم و خبر دیگه در آوردیم. درست شد؟

بعضی‌ها اومدند مرجع ضمیر "أُولَئِكَ" و "يَدْعُونَ" و "يَرْجُونَ" و اینها را همه را یکی کردند گفتند همشون مثلاً مشرکین هستند یا همشون ملائکه هستند علامه جدا کرده. "يَدْعُونَ" را با "وَيَرْجُونَ" جدا کرده. "يَدْعُونَ" یه گروه هستند. مرجع "يَدْعُونَ" و "يَبْتَغُونَ" فرق می‌کنه. حرف آیه اینه، یکیش ملائکه هست یکیش مشرکین، اینو باید بتونیم تشخیص بدیم .

بعد علامه میفرمایند که مسئله توسل و دست به دامن شدن به بعضی از مقربین درگاه خدا مثل آیه "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ" مثل همون آیه توسل معروف هستش در سوره مائده، عمل صحیحی هست کلاً توسل عمل صحیحی هست. ولی توسل به کی پیدا کنی مصداق پیدا می‌کنه اصلاً کلاً صحیح و سقیمش مشخص میشه. اونهایی که متوسل به درگاه خداوند میشن ولی توسل را میان به ملائکه انجام میدن یعنی میخوان به درگاه خدا نزدیک بشن ولی اون وسیله را عبادت را ترک می‌کنند. وسیله را گم بکنی یا اون رابطه توسل را پیدا نکنی گم میشی، به قول شما مشرک میشی.

**سوال:** حالا وسیله را از این همجنس یعنی باید انسان باشه همون پیغمبر و امام درسته؟ پاسخ: ملائکه هم میتونند وسیله باشند ولی شما با این نگاه که این مأموره.

ما مثلاً می‌گیم که از ملائکه کمک بخواهیم، کمکمون می‌کنند با اجازه خدا.



**سوال:** در جلسات استاد می‌گن از ملائکه کمک بخواین برای هر کاری تون؟ پاسخ: وسیله قرار می‌دیم اما وسیله برای تقرب به خدا. نه اینکه ما به خودشون تقرب پیدا کنیم. هدفمون خود ملائکه نیست هدفمون تقرب به خداست. برای همین شیعه همیشه در معرض اتهام هست.

ببینید ما سه نوع توسل داریم، توی هر سه نوع ما قائلیم که خداوند فرمان اصلی را میده. ببینید خدا، وسیله و عقل. هر کدوم از این مسیرها با اون اعتقادی که خداوند فاعل اصلی امور هست و مدبر اصلی هست کلا یه معنی جالبی پیدا میکنه. من میرم مثلا پیش یک امامی پیش یک بزرگی یکی از اولیای خدا، من عبد هستم، وسیله ما هم همون امام یا اولیای خداست. بهشون توسل پیدا می‌کنیم. مثلا میریم پیش امام رضا، امام رضا (قشنگترین حالتش هست)، از خدا بخواه که این مشکل من رو حل کنه. این یعنی من در اوج توحیدم. امام رضا از خدا بخواه مریض منو شفا بده من میدانم خودت استقلال نداری در شفا دادن مریض من.

یا میرم از خدا می‌خواهم، از این ور، خدایا به حرمت امام رضا مریض منو شفا بده. درست شد؟ یا از پایین اتصال پیدا می‌کنند یا میرم از خدا می‌خواهم به حرمت وجود مبارکی که اینجا هست این جسد مبارک، به حرمت این وجود مقدس این ذات مقدس مشکل منو حل کن. اینم قشنگه خیلی.

یا اینجوری مستقیم از خود وسیله می‌خواهم امام رضا مریض منو شفا بده، اینجاست که ما مورد اتهام قرار می‌گیریم. ما که میدونیم که امام رضا خودش به خودی خودش کارهای نیست. ما توی زیارت جامعه می‌خونیم شما بهترین بندگان خدا هستید ولی این نوع گفتار ما باعث شده که ما را متهم کنند به شرک. گرفتید چی شد؟ پس ببینید سه تا مسیر داریم، یه مسیر مستقیم از وسیله، یه مسیر از خدا به عبد هست یه مسیر به خدا.

**سوال:** سومی غلطه؟ (دقیقه ۳۰) پاسخ: اگر قائل نباشیم و اگر استقلال برای امام رضا قائل باشیم شرکه. حرفمون اینه. حالا این اگر دوستان یه عکسی بگیرند بذارند توی گروه.

**سوال:** استاد ببخشید توی عوام که همچنین چیزی را می‌بینیم چجوری میتونیم متوجهش کنیم، چون بعضی‌ها واقعا در یک سطحی هستند که متوجه این موضوع نمیشن؟ پاسخ: عوام به نظرم توحیدشون خیلی مشکل نداره، توحید خواص مشکل داره. اونها مستقیم وصلند، دریافت شون خیلی قشنگتره و اتصال قوی‌تری دارند، حاجتشون را هم می‌گیرند مشکل ما خواص هست.

اشتباه می‌کنند یا زمینه را برای تهمت باز می‌کنند. وهابی‌ها ما را الان به خاطر این مورد تهمت قرار دادند اینها میرن پیش یه امامی که الان نیست در قید حیات نیست، مرده و ازش میخوان که نمیدونم مشکل مالی شون را حل کنه سربازی پسرش را حل کنه، (بله نسبت به ما این اعتقاد را دارند). مریضشون را شفا بده، بچه شون کنکور قبول بشه، خونه بخرند فلان. یعنی اینا خب ظاهر مسئله اینه دیگه، ما میریم از امام رضا می‌خواهیم که خدایا

به فرض مریض موم را شفا بده نمی‌دونم بچه موم سربازی هست، این کنکور هست این فلان، مستقیم داریم از خود امام رضا می‌خواهیم، ولی نمیگن که قائلند به اینکه امام رضا عبده و مأموره.

**سوال:** اون عوامی که خیلی با دل خالصانه میرن مستقیم اونو از خود امام می‌خوان انگار بیشتر حاجت هاشون را می‌گیرند؟ پاسخ: همین رو عرض می‌کنم اونها توحیدشون خیلی مشکل نداره. ماها گیر می‌کنیم توی توحید.

**سوال:** چرا؟ ما هی تردید می‌کنیم؟ پاسخ: یا خیلی ریز میشیم یا مثلا می‌خواهیم تفصیلش کنیم، گیر میفته.

**سوال:** مداحی‌ها این شکلی هست، خیلی امام رو در مداحی هاشون پر رنگ می‌کنند و به غلط میندازه؟ پاسخ:

بله؛ متأسفانه ما الان در شرایطی هستیم که نباید بهانه دستشون بدیم. یعنی اگر هم میریم مخصوصا میریم توی جاهایی که اهل سنت هستند یا وهابی‌ها که مثل عربستان دستشون هست، اگر قرار باشه که بازخورد داشته باشه این حاجت‌خواهی من، شکل اصلی توحیدش را بگیریم. خدایا به حرمت این امام حسنی که در قبرستان بقیع هست به حرمت امام سجادی که هست امام باقر و امام صادقی که هستن به حرمتشون مثلا این مشکل ما را حل کن. به خاطر این، من که کاره ای نیستم اینها پیش تو مقرب بودند. اینجوری خواستن هیچ مشکلی نداره. درسته؟ این نحوه خواستن هست. اما اگر حتی من و شمای شیعه فقط قائل بشیم که امام به تنهایی بدون اذن خدا قادره که تصرف بکنه در عالم امکان، این اوج شرک هست، این غلطه. در زیارت جامعه کبیره برای اینکه دچار این غلو نشیم و مقام اولوهیت برای ائمه قائل نشیم علامه مجلسی میگن قبلش صد تا الله‌اکبر بگید چون که همینجوری عبارات زیارت جامعه خیلی میبره توی اوج، السلام علیکم یا اهل بیت نبوت و معدن الرساله مختلف الملائکه، یعنی همینطور داره میبره بالا، ما اگر اون دید لازم را نداشته باشیم یه دفعه ای به خودمون میایم می‌بینیم مقام اولوهیت قائلیم. چه بسا که در طول تاریخ در دوران امامان بحث غلو مشکل ساز شده. یعنی ما یه گروهی داریم به نام غالیان شیعه، بعد میان در مورد علم غیب امام افراط می‌کنند، اغراق می‌کنند در مورد قدرت امام اغراق می‌کنند. خب اینها آفته دیگه، آفت توحید هست توحیدمون تبدیل به شرک میشه و در معرض اتهام قرار می‌گیریم.

**سوال:** بخشید نقص شناخت موم حل میشه؟ پاسخ: اون ور حل میشه ان شاءالله.

**سوال:** متوجه میشیه هر کس یا بستگی به علمش داره که درچه حد شناخت پیدا کنه بعد از مرگ یا قیامت؟ پاسخ: توی برزخ که قابل ارتقا هست توی قیامت همیشه کارش کرد.

**سوال:** اینکه حقیقتش را درک کنیم ما الان می‌گیم و میشنویم؟! (دقیقه ۳۵) پاسخ: بله خیلی از پرده‌ها کنار میره توحید خیلی قشنگتر. علامه طباطبایی نگاهشان کلا به کل آیات، توحیده. میگن شما از تمام آیات حتی آیاتی که داستان‌ها را میگن، آیاتی که حکمتها را میگن، آیاتی که ضرب‌المثل دارند، آیاتی که احکام داره یعنی فقهی هستند مثلا ما ۵۰۰ تا آیات فقهی داریم. به فرض داستان انبیا. حکم یا قوانین شریعت، خب؟ اگر از توی

اینها توحید در آوردی آیه را میفهمی. و نظرشان اینه آیه ۱ سوره هود " كِتَابٌ أَحْكَمْتُ آيَاتُهُ ثُمَّ فَصَّلْتُ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ﴿١﴾" در واقع احکام کل قرآنه. یعنی همه ۶۲۳۶ آیه را بریزیم توی یک ظرفی، اون میشه توحید بعد از توش بخواهیم، از توی این ظرف دریاوریم میشه تفصیل توحیدی مثلا توحید در اخلاق، توحید در عبادت، توحید در احکام یعنی همه این ظرفه توحیده، همه آیات را ریختیم توی این ظرف توحید، این مثال علامه هست، آیه یک سوره هود. همه این آیات را ریختیم توی این ظرف توحید، بعد ازش برداشتهای توحیدی می‌کنیم. یا جلسه یک و دوی المیزان همه اینها را گفتیم که اگر قصد ما توحیدی باشه دروغ نگفتن و راست گفتن مون شکل توحیدی پیدا می‌کنه.

**سوال:** یعنی احکام و همه اینها میشه وسیله؟ پاسخ: بله؛ دقیقاً. گفتیم علامه میگن که دروغ نگیم مثلا توی فرهنگی دروغ نگفتن باعث میشه کارت راه بیفته توی یه فرهنگی دروغ نگفتن باعث میشه که محبوب بشی اما در نگاه یک موحد دروغ نمیگیم چون خدا دروغ نمیگه چون خدا راستگوترین هست. بعد میگه شما اگر هدف بالایی را بگیرید هدف های متوسط و هدف‌های پایین تر دستت میاد چون که صد آید، نود هم پیش ماست.

**سوال:** موحد شدن یعنی شبیه شدن؟ پاسخ: تمام صفات و اسما الهی را اجرا کنیم .

علامه میگن "وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا" کی از خدا راستگوتره؟ چون از خدا راستگوتر نیست منم می‌خوام راستگو باشم این هدف غایی میشه، هدف غایی هدف‌های متوسط و هدف‌های پایین تر را در خودش حل می‌کنه. یعنی ما اگر به خاطر خدا دروغ نگیم هم عزیز میشیم، هم محبوب میشیم، کارمون هم راه میفته. ولی اگر دروغ نگیم به خاطر اینکه کارمون راه بیفته توی همون حالت متوسط به پایین تر گیر می‌کنیم می‌مونیم همون جا. چه بسا خیلی از آدمهایی که موحد نیستند آدمهای راستگویی هم هستند. کلا شرقی‌ها، چین، کره، نمیدونم این کشورهای شرق آدم‌های راستگویی هستند. چون که سیستم اداری شون بنا بر راست هست اگر دروغ بگن راه نمیفته کارشون. موحد نیستند اما به هدف متوسط رسیدند. زرتشتی‌ها معروفند به راستگویی.

**سوال:** توسل ما به ائمه به خاطر همین، هر ائمه یک صفت بارز خداست ما متصل میشیم تا به اون اسم متصف بشیم؟ پاسخ: بله.

**سوال:** تجلی توحید هم که توی عاشورا توسط امام حسین بوده درست میگم؟ یعنی از همه چیزشون گذشتند؟ پاسخ: همه صفات الهی را در واقع بروز دادند. به خاطر همین وارث شدند. ما زیارت وارث را برای امام حسین می‌خونیم دیگه.

خب ادامه بدیم آیه ی ۵۸. ( دقیقه ۴۰ )

آیه ۵۸ "وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ﴿۵۸﴾"

خب "وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ" ان نافیہ هست، «نیست» معنی می‌کنیم و هیچ قریه‌ای نیست کلا قریه‌ها نه صرفاً قریه‌های مشرکین. کلا. هیچ ولایتی، دهکده‌ای، شهری، تمدنی، آبادی نیست مگر اینکه پیش از روز قیامت (البته این شرط و شروطهاش هم هست. پیش از روز قیامت به شرط آمدن نبی و تکذیب‌شون یعنی اینو باید داخل پراتنز بگیم) همه اقوام همه تمدن‌های دنیا در هر سرزمینی از کره زمین که هستند یه نبی داشتند یه رسولی داشتند اومده دعوت کرده تبلیغ کرده بعد مردم گوش نکردند، تکذیب کردند خب حالا آیه، می‌گه چیکار کردیم؟ یا "مُهْلِكُوهَا"

"مهلکوا" را بازش کنید چجوری بوده؟ اسم فاعل هست. چی بوده اولش؟ مهلکون بوده به خاطر "ها" که مضاف‌الیه هست نونش حذف شده درسته؟ بوده مهلکونها هیچ قریه‌ای نیست مگر اینکه ما اونها را هلاک کردیم "قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ" قبل از بحث روز قیامت. اینجا روز قیامت یا کلا عالم دنیا یعنی قبل از روز قیامت یعنی کلا در دار دنیا هر چقدر که زیستند هر عمری که داشتند توی هر قرنی که بودند.

**سوال:** اینکه وقتی قیامت میشه همه دنیا دگرگون میشه این اونو نمی‌گه؟ پاسخ: نه اصلاً. "قبل" داره می‌گه یعنی "قبل" را میاره.

**سوال:** "ها" چیه؟ پاسخ: مضاف الیه. "ها" بر میگردد به قریه دیگه چون "ه" تأنیث داره "ها" برمیگردد به اون.

میفرماید که هیچ شهری نیست جز اینکه ما همه را قبل از روز قیامت (داخل پراتنز هست اینها یه نبی اومد تبلیغ کرد اینها تکذیب کردند) هلاکشون کردیم یا عذاب سخت.

سوال این هلاک با اون عذاب شدید چه فرقی دارند؟ هلاک بدتره. جلسه قبل هفته پیش نه، جلسه قبل عرض کردیم یه سری از عذابها هست، اسمش عذاب چیه؟ اسم خاصی داره. اسم اون عذاب چیه که در پس معجزات اقتراحی هست؟ عذاب استیصال. عذابی که مستأصل می‌کنه درجا هلاک می‌کنه مثل سیل و زلزله‌های درجا مثل قوم هود و عاد و قوم ثمود و اینها، اینها استیصال هستند یعنی درجا هلاک می‌کنه. عذاب شدید نه، عذاب تدریجی دنیاست. علامه جدا کرد این دو تا را. عذاب شدید مثلاً مرگ آنی. یه نفر یا چند نفر نه اینکه کل قوم از بین برند یا مثلاً سیلی تدریجی، یعنی سیل در اثر عوامل خلقی به وجود بیاد نه عوامل امری که درجا بیاد.

ببینید الان مثال میزنم الان توی حالت روز هستیم بارش هم نداریم خب توی شهر تهران که الان ما هستیم احتمال اومدن سیل صفره ( دقیقه ۴۵ ) چون نه بارانی بوده نه علائمی ما داریم، یه دفعه‌ای سیل بیاد؟ میشه "مهلکوها"

ولی اگر خداوند این را به شکل تدریجی انجام بده بارانی بیاد آبی جمع بشه این میشه "عذاباً شدیداً" گرفتید؟ یه عالم خلقی هست، که تدریج می‌خواهیم توش، علت و معلول می‌خواهیم، یه عالم امری هست اصلاً نیاز به هیچ‌گونه مقدمه ندارد درجا زلزله، سیل، آتش، مثل عذاب قوم لوط، از بالا، از بالاسر گدازه‌های آتش بهشون باره زیر پاشون بلرزه، زلزله بشه اینها همیشه عذاب استیصال. مستأصل می‌کنه کارش همیشه کرد، عذاب شدید همیشه عذابهای دنیایی که نامحسوس هست یا گاهی ما مثلاً می‌ندازیم گردن طبیعت.

بازم اینو بگم ما هیچ‌کدوم از این زلزله و سیلهایی که باهاش مواجه هستیم نمیتونیم بگیم عذاب شدید هست ما نمی‌تونیم قضاوت کنیم. مثلاً بگیم توی آمریکا به فرض یه طوفانی اومده آخ جان دل ما خنک شد چون مثلاً. ما همچین حرفی نمی‌تونیم بزنیم، عذاب هست یا قانون خلقت؟ طبیعت جغرافیای زمین داره اینجوری تکرار میشه دیگه، قسمتی از پوسته زمین دچار این تحولات شده، جزو قوانین طبیعت هست، اسمش رو بذاریم عذاب، ما اجازه نداریم. فلان شهری از ایران مثلاً دچار سیل شدند دچار زلزله شدند مثلاً شهرهایی که پارسال، پارسال ما این اتفاق را داشتیم، حق نداریم اسمش رو عذاب بذاریم. ما نمی‌دانیم که.

قوانین طبیعت بوده پوسته زمین تکون خورده، تحولات طبیعی، علت و معلول.

**سوال:** مگه نگفتید این قوانین هم اذن خداست؟ نمی‌خواهیم بگیم قومی را هم متهم کنیم یا شهری را متهم کنیم ولی بالاخره همه جا هست دیگه؟ پاسخ: نه از سختی‌های آخرالزمان اینه که تو نمیتونی تشخیص بدی که این سیلی که میاد، این زلزله‌ای که میاد، این آتش‌سوزی که میشه طوفان که میاد، اسمش را چی بذاریم؟ ولی میگن توی هر حالتی پناه ببرید به خدا. عذابهای آخرالزمان تشخیص سخت هست.

**سوال:** میشه بگیم هر کسی با توجه به اعمال خودش برداشت می‌کنه نمی‌تونیم کلی قضاوت کنیم؟ پاسخ: مثلاً زلزله خوی بود دیگه پارسال پارسال بود نمی‌دونم. کرمانشاه بود مگه میشه حرفی زد؟ بگیم چون مردمش نعوذبالله فلان بودند بهمان بودند.

اما سیر تنبیهات خداوند برای آخرالزمان و امت پیامبر سیر نامحسوسه یعنی تو نمیتونی یا من و شما اصلاً نمی‌تونیم تشخیص بدیم و حرف بزنیم. بین دیدی اینجوری شد پس خدا عذابش رو فرستاد. این غلطه توی این مقام نیستیم و اینقدر هم راحت همیشه تشخیص داد .

**سوال:** الان مثلا سیل آستارا واقعا اونجا خیلی اوضاعشون...؟ پاسخ: اگر اینطور باشه که کشورهای اروپایی و آمریکایی که دائم خدا باید برایشون عذاب بفرسته که، پس چرا اینجوری نمیشه؟ اونها که توی ناز و نعمتند. نه. همیشه حرف زد.

**سوال:** توی زمان پیامبر هم حوادث طبیعی غیر از عذاب هم رخ میداده؟ پاسخ: بله؛ ولی نه به اندازه آخرالزمان. خیلی از بحثهای زلزله و سیل اصلا مصنوعی انسان هست ما از بس بلا سر پوسته زمین آوردیم همین اتفاق باید بیفته، سیر طبیعییش را داره طی می‌کنه. اینقدر ما مسیل ها را یعنی مسیر آب را اینقدر جابجا کردیم سیل شیراز دو سه سال پیش به خاطر تغییر مسیلش بوده ما دست بردیم توی عالم خلقت پس باید چوبش را هم بخوریم. خب؟ این فرق می‌کنه. بگذریم.

### بحثی پیرامون لوح محفوظ

"كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ﴿٥٨﴾" این کتاب چیه؟ کتاب علامه می‌فرمایند که لوح محفوظه. اهلاک قری باب افعال. اهلاک یعنی هلاک کردن. مهلکواها از باب افعال بود دیگه، مفعِل اسم فاعل باب افعال هست. اهلاک قری و تعذیب‌شون "أَوْ مُعَذِّبُوهَا" باب تفعیلش، چه اهلاکش چه تعذیبش قبلا دریک کتابی نوشته شده. بحث لوح محفوظ بسیار بسیار بحث مهمی هست. بسیار بسیار بحث مهمی هست و بحث کلامی هست جزو اعتقادات ما هست. من از روی المیزان میخونم ایشان می‌فرمایند که یک سرنوشت حتمی هست پس مراد از کتاب، لوح محفوظ هست که تمامی حوادث توش نوشته شده. و قرآن درباره‌ش فرموده "وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ" (دقیقه ۵۰) اون "إِمَامٍ مُّبِينٍ" باز همون لوح محفوظ سوره یاسینه. درسته؟ یا فرموده که "وَمَا يَعْزِبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ" همین لوح محفوظ. بعد دانشمندان و مفسرین قدیم، قدیمی تر یا متقدمین، اینجوری گفتند. گفتند که: همه اتفاقات و همه حوادث و همه موجودات و مخلوقات با تمامی کیفیاتشون با تمامی خصوصیاتشون و اسبابشون و زمانی که برایشون تعیین شده در یک کتابی نوشته، کتاب یعنی کتاب به ما هو، کتابی که جلوی چشم مون هست. یه کتابی هست مثلا این باز میشه ورق ورق هست، مادی براش فکر کردن، بعد به خاطر اینکه بتوانند همه حوادث و مخلوقات و همه چیز را توش جا بدن، گفتند که لایتناهی هست. ما نمی‌بینیمش ولی خدا یه همچین کتابی خلق کرده. یه کتاب بینهایت عظیم، هر اتفاقی افتاده توش نوشته شده. اکثر مفسرین قدیم.

همه موجودات ریز به ریز و همه صفات شون، افعالشون، عاقبتشون، انسانها، غیر انسانها، همه چیز توش هست. منتها انگار که نتوانستند تشخیص بدن که این اصلا جنسش مادی نیست. خب؟ بر میگردد به بحث مقوله علم الهی. لوح محفوظ بحث علم الهی هست.

بعد علامه گفتند که بعد این کتاب خب پس با این حساب باید نامتناهی باشه غیرمتناهی باشه اما با برهان های عقلی ما میتونیم ثابت کنیم که این کتاب اصلا مادی نیست مثلا جنسش از کاغذ، از پوسته، از چیه که این اولا فاسد نمیشه، دوما همه چیز توش جا میشه. اگر مادی هست باید مکان برایش در نظر بگیریم دیگه، چون ماده مکان میخواد. زمان شروع و زمان پایان میخواد. اصلا خود ماده خودش کلی خصوصیات با خودش میاره. محدودیت هست دیگه مکان و زمان میخواد، صفات میخواد تغییر میخواد پس نمیتونه لوح محفوظ از جنس ماده باشه. بعد میگه که اینها خیال کردند کتاب از جنس کاغذ و قلم های جسمانی و مادی هست مثلا خدا در یک گوشه عالم اون رو گذاشته اسامی و اوصاف و احوال همه را توش نوشته، همه حوادث را توش نوشته. این غلطه.

علامه میگن حتی اگر همچین چیزی بود محال بود چون فقط راجع به خود کتاب و جنس اون کاغذ و دونه دونه اون مولکولهای اون کاغذ و صفاتش و اینها، خود اون کتاب کم میومد که توش همه چیز را بنویسیم. پس میاییم چیکار می کنیم؟ علامه میگن که کتاب مبین ( این کل بحث عرفانی و کلامی امروز هست که خیلی هم سنگین هست.) متن اعیان و موجودات با حوادثی هست که به خودش می گیرند. متن اعیان. توضیح میدم میگم یه مباحث عرفانی و کلام هست. اعیان جمع عین، عینیت. خب؟ متن اعیان و موجودات با حوادثی هست که به خود می گیرند. و این واجب هست به خاطر رابطه علت و معلول. آخرش میخواد اینو بگه. اینقدر هم خیلی پیچیده س واقعا سخته. میخواد بگه لوح محفوظ همون قواعد علت و معلول هست. اصلا تا الان اینجوری فکر کردید که لوح محفوظ اصلا چی هست؟ علت و معلوله. علم خداست علت و معلولی که در علم خداست .

اینطور هستش که قوانین علیتی که در علم خداست بهش میگن لوح محفوظ. همه چیز توش هست، رابطه ها، حوادث، به هر حال قوانین میخواد یا نه؟ میخوای الان بگی که یه کسی در پنجاه سالگی از دنیا رفت. جزئیات هم توش هست. ببینید بر اساس رابطه علت و معلول یه کسی در سن پنجاه سالگی از دنیا میره این توی لوح محفوظ هست یعنی چی؟ یعنی رابطه علت و معلول که راجع به این آدم پنجاه ساله به کار برده شده یه طوری هست که سر پنجاه سالگی این نفسش تموم میشه. از سنخ علم هست که رابطه ( دقیقه ۵۵) علت و معلولیت داره. اجازه بدید من از رو بخونم.

میگه این به خود گرفتن حوادث و موجودات و اینها از این نظر حتمی و واجبه که هر یک مترتب بر علت خویش هست و پیدایش معلول بعد از وجود علت واجبه. خدا یک علتی را خلق می کنه حتما بعدش معلولش هم هست

واجب کرده بر خودش رابطه علت و معلولی را. و غیرقابل تخلف هست. می‌گه مسئله علیت و معلولیت را بهش می‌گه کتاب مبین و لوح محفوظ. درست شد؟ که حقیقت معنا را با کمک مثال بفهماند. حالا اینو اینجا داشته باشید چون وقتمون داره میگذره من بیست دقیقه دیگه راجع به بحث دوم صحبت کنم. اینو باز نگه میداریم بحث لوح محفوظ.

### تکلیف پژوهشی درباره اعیان ثابت‌ه برای هفته آینده

یه چیزی هم امروز بگم که برید راجع بهش فکر کنید و اگر دوست دارید برید تحقیق کنید بحث اعیان ثابت‌ه. فقط من الان اینجا کد بهتون میدم یعنی اشاره خیلی کلی بهتون میکنم اینه. ببینید ما یه غیب داریم خود خداوند هست و کلا عالم غیب، بعد اسما و صفات، این رابطه را می‌خواهیم توی لوح محفوظ پیدا کنیم. هفته دیگه اینو می‌خواهیم باز کنیم. خیلی بحث سنگینی هست. من خیلی سعی کردم که ساده‌ش کنم یعنی دو سه جا چند جا رجوع کردم که بتونم با زبان ساده تر بگم اما خب علم کلام اینطوریه اصلا نمیشه ساده‌ش کرد. شما سعی کنید بفهمید. خب؟ بعدش همیشه اعیان ثابت‌ه. بعد از این همیشه اعیان خارجه. اینا را می‌خواهیم توضیح بدیم ببینید بالا غیب، اسما و صفات الهی، اعیان ثابت‌ه و اعیان خارجه. اینجا مثلا ذهنه نه ذهن ماها. اینجا عینیت هست یعنی میاد. یه مثال میزنم توی عالم غیب خدا می‌خواد اسما و صفاتش را بروز بده الان، از عالم غیب اومده اسما و صفات. می‌خواد خالقیت خودش را بروز بده. میاد انسان به ما هو انسان. انسان کامل خلق می‌کنه. سنگ را خلق می‌کنه. حیوان خلق می‌کنه. اینجا هست اعیان ثابت‌ه. انسان عوض نمیشه الان منو شما عین ثابت‌ه مون انسان بودنمون هست. این انسان بودن ما وقتی میاد توی اعیان خارجه همیشه خانم بنازاده، خانم عجایی، خانم کشفی. گرفتید چی شد؟ هر مرحله باید یه ثبوت و ظهوری داشته باشه این مسیر لوح محفوظ هست اینو می‌خوام بفهمید .

**سوال:** اینو همیشه توی بچه ای که در رحم مادر قرار می‌گیره بعد بزرگ میشه رشد می‌کنه؟ پاسخ: بچه را عین ثابت‌ه می‌گیم چون انسان هست فقط یعنی ما اول فقط به انسان نگاه می‌کنیم به عنوان اعیان ثابت‌ه. لایتنیغیر هستند وقتی قراره یک موجودی انسان باشه، انسانه. انسان، حیوان نمیشه. خب؟ بعد انسان انسان کامله. انسان کاملش هم هست حالا این انسان کامل توی ذهنه (نه ذهن من و شما) توی عالم ذهن هست هنوز خارج نشده می‌خواد خارج بشه همیشه آدمهایی که الان هستند .

**سوال:** اولین خلق که حضرت رسول هست که انسان کامل که می‌گید؟ پاسخ: آفرین؛ میشه عین ثابت، عوض نمیشه.



خب؟ لوح محفوظ لایتغیر هست. ، ما کلا توی ادبیات قرآن دو تا لوح داریم یکیش لوح محفوظ هست یکیش لوح محو و اثباته. یعنی "يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ ۖ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ"

اون یه لوح دیگه هست توی لوح محو و اثبات عوض میشه تغییر و تبدیل داریم اما در لوح محفوظ نداریم اینو اینجا داشته باشید.

**سوال:** همون قضا و قدر نمیشه؟ پاسخ: همه چیز توی این مسیر توضیح داده میشه اینو میخوام باز نگه دارید ذهنتون باز باشه برید مطالعه کنید میگم بحث سنگینی هست. سایت ویکی فقه. اعیان ثابته بزنی حتی علامه طباطبایی با علامه طهرانی مناظره کرده راجع به اعیان ثابته. (دقیقه ۶۰) هر کدوم از این علما و اولیا یه نظراتی دارند، علامه حسن زاده آملی، اینها همشون از کجا گرفتند؟ وام دار چه کسی هستند؟ محی الدین ابن عربی. اصلا اسم اعیان ثابته از ایشونه.

برید مقاله جداگانه همین سرچ هم بزنی اعیان ثابته میاد براتون. بخونید ببینید چقدر میفهمید. برای خودتون سادهش کنید اینو باز نگه میداریم. بریم بحث دوم.

**سوال:** عذاب هر قومی قید شده، در لوح محفوظ نوشته شده؟ پاسخ: علیت و معلول را برایش پیدا کنید ببینید چجوریه. خدا یه قانونی قرار داده، توی علمش هست ولی اختیار را که نمیبندد. اگر یک قومی نبی برایشون اومد این کار را کردند این کار را کردند این کار را کردند، نتیجهشون میشه این سیل، این زلزله، این عذاب .

**سوال:** ولی به هر حال خدا میدونسته این قوم میخوان این کار را بکنند دیگه؟ پاسخ: خدا میدونسته ولی دونستن خدا هیچوقت مانع اختیار کسی نیست. مثل شمای مادر که میدونید بچه تون با این سیستم استعداد و ظرفیت و درس خوندن آیا امسال موفق میشه یا همیشه؟ البته این خیلی نسبی هست بلاتشبییه بلاقیاس. مادر معلم اول سال می دونه کی شاگرد اول هست کی شاگرد آخره، اینها را میدونه، آیا دونستن معلم مانع از اختیار اون شاگرد هست؟ آیا درسش را میخونه نمیخونه، آیا کسی جلوش رو گرفته؟ کسی دستش را گرفته؟ دستش را بسته؟ نه. اجازه میدید این بحث را اینجا ببندم؟ اینو اینجا ببندیمش ان شاء الله جلسه آینده همین باز میشه یعنی من واقعا نگران این سیاق هستم که فقط بتونم تمومش کنم.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ